[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ادراک ساکنان از همپیوندی بافت قدیم و رشد جدید سکونتگاه انسانی(نمونه موردی: روستای تاریخی قهی)

آزاده لک *، افتخار عزیز خانی **

تاریخ دریافت مقاله: 1395/07/27
تاریخ پذیرش مقاله: 1395/10/26

چکیده

افزایش جمعیت همواره نیاز رشد کالبدی و ساخت و سازهای جدید را در برهه زمانی در سکونتگاه‌های انسانی به‌وجود آورده است. رشد کالبدی معاصر بسیار شتاب‌زده و براساس طرح‌های توسعه شهری الهام گرفته از شهرسازی غربی صورت گرفته‌اند که رنگ و بوی متفاوت از زمینه اصیل دارند لذا در بهسازی این بافت‌ها، عملاً همپیوندی اجزای کالبدی نوظهور با بافت‌های قدیمی به چالشی جدی در علوم طراحی به‌ویژه طراحی شهری تبدیل شده‌اند. روستای قهی به‌عنوان یکی از روستاهای تاریخی با قدمتی چند صدساله و با بافت ارگانیک نیز همچون بسیاری از سکونتگاه‌های انسانی در معرض گسترش کالبدی روستا تحت تأثیر طرح‌های توسعه در سال‌های اخیر به شکل بافت‌های شطرنجی معاصر و در تعارض با نظام کالبدی ارگانیک روستا قرارگرفته است و عملاً از نظر کالبدی همپیوندی میان بافت قدیم و جدید روستا و هویت تاریخی آن از بین رفته است.

این مقاله درصدد است با توجه به ماهیت تاریخی این سکونتگاه مدلی از عوامل تأثیرگذار بر تجربه انسجام و همپیوندی کالبدی ساکنان را میان بافت قدیم و بافت جدید در سکونتگاه انسانی تدوین نماید. این مطالعه به‌صورت کیفی و به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده میدانی ناظر تعلیم‌دیده به‌صورت مستقیم و انجام تکنیک‌های فضایی توده و فضا، مکان و ارتباط و در نهایت تحلیل برداشت‌ها صورت گرفته است. همچنین تجربه ساکنان با انجام 10 مصاحبه با ساکنان اصیل روستا در هر دو بافت قدیم و جدید جمع‌آوری شده است. فرایند جمع‌آوری داده تا اشباع نظری ادامه یافته و به روش تحلیل محتوا، تحلیل شده‌اند.

تحلیل محتوای داده‌های مطالعه نشان می‌دهد که تجربه ساکنان برای ارتباط عناصر و انسجام کالبدی بافت قدیم و جدید سکونتگاه انسانی از طریق عواملی مانند تشخیص مرز اتصال، ارتباط پذیری، تداوم نقاط لنگرگاهی، معاصر سازی، تعلق مکانی، تداوم هویت مکانی و کیفیت زندگی درک شده است. به‌کارگیری این عوامل چه در سطح مداخلات کالبدی و چه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان می‌تواند به ویژگی‌های اصلی در جهت همپیوندی بافت‌های درحال‌رشد کالبدی به خلق مکان‌های با هویت و منسجم با کالبد پیشین در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی کمک کند.

واژگان کلیدی: انسجام کالبدی، نظریه نقش – زمینه، نظریه اتصال، نظریه مکان، روستای قهی.

* استادیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های زیستی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
** کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی. eftekhar_azizkhani@yahoo.com

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

مقدمه

علیرغم رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست سکونتگاه انسانی به‌ویژه روستاها همچنان به‌عنوان یک شیوه منحصربه‌فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و فعالیت‌های انسانی مطرح است. لذا وضعیت کالبدی جوامع روستایی و روند ساخت‌وسازهای جدید که همواره دستخوش تحولات و دگرگونی‌های شکلی و ساختاری است، نقش بسزایی می‌یابند. سیال بودن ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی متاثر از عرصه‌های جغرافیایی است که با تغییر وضعیت "زمین" پیوند دارد و نه‌تنها یک مفهوم اقتصادی بوده بلکه به یک مفهوم اجتماعی و زیست‌محیطی در نظام برنامه‌ریزی فضایی روستا منجر می‌شود.

ساختار کالبدی[1] روستاها بنا بر مقتضیات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درگذر زمان شکل‌گرفته است اما رشد جدید، باوجود ایجاد خانه‌هایی با مصالح بادوام و معاصر، تعریض معابر و ایجاد فضای سبز، رونق نسبی در روستا به‌دلیل عدم هماهنگی بافت جدید و قدیم و گسست هویت[2] قدیمی خود، احساس آرامش یا رضایتمندی را برای ساکنان روستا در پی نداشته است. این نارضایتی در اثر تقابل ویژگی شکل سکونتگاه سنتی با جدید از یک‌سو و نبود رویکرد و عامل هماهنگ‌کننده نسبت به گسترش جدید از سوی دیگر، اتفاق افتاده است (تولایی،1381). همچنین سیما و ساختار کالبدی روستاهای ایران بانفوذ و هجوم فناوری، فرهنگ و سیمای شهری و هم‌زمان با آن تنزل ارزش‌های فرهنگی و بومی نزد ساکنان روستا، روزبه‌روز و بیش از پیش مخدوش شده‌اند و هر روز از هویت و سیمای اصیل خود دور می‌شوند. هرچند بخشی از این بافت‌ها به سبب توانمندی و ارزش‌های معماری همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند (جام کسری،62:1389). در این میان روستاهایی با قدمت تاریخی و ارزش‌های زمینه‌ای اجتماعی, اقتصادی و کالبدی اصیل، توجه مضاعفی به طرح‌های توسعه کالبدی را می‌طلبند.

بافت‌های باارزش همواره نیازمند نگرشی درخور اهمیت بوده‌اند لیکن بافت‌های باارزش روستایی به‌دلیل مطالعات اندک صورت گرفته در آن، نیازمند توجهی ویژه هستند، به‌گونه‌ای که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای روز و اساسی ساکنان آن‌ها، باید هویت ساختاری، کالبدی و فرهنگی روستا نیز با ژرف‌اندیشی و نگرشی عمیق‌تر به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی از گذشته مورد عنایت واقع شود. بنابراین هدف اصلی طرح‌های توسعه در جهت بهسازی بافت باارزش روستایی، علاوه بر زمینه‌سازی برای احراز هویت و فراهم کردن امکان حفظ و نگهداری بافت‌ها و آثار ارزشمند، معماری روستایی را هم برای تأمین خواسته‌ها و نیازهای زندگی جدید مردم حفظ کند و هم با احترام به اصالت‌های کالبدی و ارتباطات اجتماعی موجود در روستا، توجه به انسجام کالبدی بافت جدید و قدیم را نیز فراهم کند.

روستای قهی روستایی دارای قدمتی طولانی و ارزش‌های معماری و محیطی است که باوجود ارزشمند بودن بافت تاریخی روستا و ثبت تاریخی آن در آثار میراث فرهنگی و گردشگری متاسفانه با بی‌توجهی مسئولان با طرح توسعه مدرن روستا و مهاجرت ساکنان سابق آن به منطقه نوساز روستا مواجه است. عدم انسجام کالبدی میان بافت تاریخی و نوساز روستا عملاً هویت دوگانه‌ای را برای سیمای روستای قهی در پی داشته است آن چنانکه ساکنان نیز از طرح بافت جدید روستا ناراضی‌اند. هدف از این مقاله، توجه به امکان و روش بررسی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

انسجام کالبدی بافت قدیم و گسترش جدید روستا با توجه به تجربه ساکنان و کیفیت‌های طراحی در جهت گسترش همپیوند[3] روستا و انسجام کالبدی روستای قهی و تعمیم آن به سایر روستاهای تاریخی و سکونتگاه‌های انسانی این مرزوبوم است. اهمیت این مسئله به‌ویژه با توجه به جایگاه ارزشمند بافت‌های روستایی و گسستگی و ناهمخوانی رشد جدید روستا بدون در نظر گرفتن بافت بومی روستایی، در طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی دوچندان می‌شود. بر این اساس، سؤالات زیر برای رسیدن به اهداف مطالعه مطرح‌شده‌اند:

1. انسجام کالبدی بافت قدیم وگسترش جدید روستا از دید ساکنان سکونتگاه انسانی چگونه تجربه می‌شود؟

2- چه ابعادی می‌تواند در همپیوندی طرح گسترش بافت‌های باارزش روستایی مؤثر باشد؟

روش تحقیق

این تحقیق به روش کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا[4] صورت گرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات هم به روش مشاهده[5] در برداشت‌های میدانی و مصاحبه عمیق با ساکنان و هم به روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی[6] جمع‌آوری اطلاعات یعنی تکنیک گردآوری مستقیم و غیرمستقیم (اسناد و مدارک) استفاده شده است. بر همین مبنا، فرایند تحقیق با شناخت و گردآوری متون نظری، منابع و اسناد مربوط به روستای قهی در مطالعه کتابخانه‌ای آغازشده است. در بخش دیگر فرایند مطالعه، برداشت میدانی با روش مشاهده با استفاده از تکنیک‌های فضایی طراحی شهر (توده – فضا، مکان و اتصال) توسط نگارندگان به‌عنوان ناظر تعلیم دیده انجام شده است. همچنین مصاحبه عمیق با 10 نفر از ساکنان تا اشباع داده‌ها (جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که دیگر از مصاحبه‌های انجام‌شده اطلاعات جدیدی به‌دست نیاید) با گزینش گلوله برفی[7] صورت گرفته است تا تجربه ساکنان از همپیوندی میان بافت قدیم و جدید روستا به‌دست آید. درنهایت از روش تحلیل محتوا برای بررسی انسجام گسترش کالبدی براساس داده‌های گردآوری‌شده، استفاده شده است و بر این اساس مفاهیم و موضوعات مرتبط باتجربه ساکنان از امکان همپیوندی بافت قدیم و جدید روستا استخراج‌شده‌اند.

پیشینه نظری

گسترش کالبدی سکونتگاه[8] و ارتباط آن با محیط

هر فضای کالبدی به‌منظور در برگرفتن فعالیتی معین و برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان پدید می‌آید. ساختار کالبدی اغلب روستاها، ویژگی‌های طبیعی، تحولات تاریخی مکان روستا و چگونگی رشد کالبدی آن، تلفیقی از عوامل طبیعی و مصنوعی را به‌وجود آورده است. ساخت کالبدی روستا نیز بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه در فضاست که در یک مقطع زمانی –مکانی خاص رخ‌داده است. گسترش کالبدی عبارت است از تحول سیما، ریخت و پیکر فضایی توأم با رشد فیزیکی و درنتیجه رشد جمعیت و گسترش ساخت‌وسازهای انسانی، اقتصادی و سیاسی یا کاربری اراضی (رهنمایی، 1370).

محیط کالبدی روستا که به‌عنوان مکان زیست، تجلی‌گاه چهره اقتصادی و اجتماعی جوامع است، به‌گونه‌ای سیستمی عمل می‌کند که با تمامی نقصان‌های خود، زنده بوده و کار می‌کند. به‌طوری‌که این سیستم به تبعیت از عواملی چون افزایش جمعیت، مهاجرت و صنعتی شدن جوامع تحت تأثیر قرارگرفته و دچار دگرگونی می‌شود (عزیزی،1372). در نتیجه گسترش

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

کالبدی روستا بازتاب تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

انسجام کالبدی، فرایند سازمان‌دهی عناصر متنوع وابسته به‌هم در شکل سکونتگاه انسانی است که در آن، روابط متقابل یا مشارکت ضروری و هم‌زمان میان اجزا به‌طور ذهنی و عینی با هدف ایجاد کل هدفمند، یکپارچه، آراسته، خوانا، معنادار و همگرا با روندهای طبیعت صورت می‌گیرد (تولایی،1381:5).

انسجام کالبدی

یکپارچگی و انسجام مفهومی است که در متون نظری با مفاهیمی همچون وحدت، هماهنگی، همپیوندی، اتصال و پیوستگی قرابت مفهومی دارد و یکی از مفاهیم پایه در شهرسازی محسوب می‌شود (امامی و زبردست،1393:22). انسجام کالبدی در دیدگاه ساختارگرایان از حوزه شالوده بستر تحقق می‌یابد. شالوده، استخوان‌بندی هر فضا را تشکیل می‌دهد و مجموعه‌ای از گره‌ها، هسته‌ها، راه‌ها، لبه‌ها، نشانه‌ها و محله‌هاست که آن‌ها را به هم می‌دوزد(حبیبی،1384). از دیدگاه بیکن[9] (1970)، نیرو محرکه‌ای است که ماهرانه پیوند و ارتباط متقابلی را بین عناصر فضا و شهر، شالوده، درک کلیت و نظام رشد فضا را برقرار می‌سازد (حمیدی، 1376).

راجر ترانسیک[10]، به‌نقد تأثیر نوگرایی در بافت شهری و ارزش‌های فراموش شده فضاهای شهری سنتی ، فرایند توسعه شهری معاصر را نقد می‌کند که تحت تأثیر دوران نوگرایی[11]، به ساختمان‌های منزوی درون یک منظر طبیعی می‌نگرد، نه هم چون بخشی از یک بافتی بزرگ‌تر. توسعه‌های شهری مدرن، تنها بر پایه نقشه‌های کاربری زمین[12] و به‌صورت دوبعدی، بدون در نظر گرفتن ارتباط سه‌بعدی میان فضاها و بناها و بدون فهم واقعی رفتار انسان‌ها بوده است.به‌نظر ترانسیک مهم‌ترین گام در حل این مشکل، شناسایی شکاف‌های است که توأم فضایی بافت‌های شهری را مختل کرده‌اند. او فضای گمشده را فضاهایی معرفی می‌نماید که نیاز به بازطراحی دوباره دارند. همچنین از دیدگاه وی این فضاها هیچ ارتباط مثبت و مطلوبی با مردم و فضاهای پیرامون خود برقرار نکرده‌اند (Trancik,1986). او در زمینه تکامل فضاهای معاصر، سه نظریه را مطرح می‌نماید: نظریه نقش زمینه[13]، نظریه اتصال[14] و نظریه مکان[15]. در نظریه توده - فضا، فضا به مثابه فضایی تعریف و طراحی شده اهمیت می‌یابد. در نظریه اتصال تلاش می‌شود سیستم ارتباطات یا شبکه‌ای و در نهایت ساختاری برای فضاهای منظم ایجاد شود. تئوری مکان یک مرحله فراتر از تئوری اتصال و توده- فضا است که در آن نیازهای انسانی در قالب‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی افزوده می‌شوند. ویژگی‌های تئوری مکان در هر فضای شهری معرف هویت آن است که به‌تدریج در طول تاریخ براساس نیازهای انسانی با ترکیب اشکال منحصر به‌فرد شکل گرفته است. این سه نظریه راجر ترانسیک بر انسجام کالبدی در شهر اشاره دارند و در حقیقت مؤلفه‌های اصلی انسجام کالبدی می‌باشند (Trancik,1986).

نان الین[16] در کتاب خود به نام شهرسازی کل گرا[17]، پنج خصوصیت اصلی را برای انسجام شهری و نیز مکان‌های سرزنده معرفی می‌نماید که عبارت‌اند از ترکیب و دوگانگی[18]، اتصال[19]، نفوذپذیری و تخلخل[20]، اصالت [21] و انعطاف‌پذیری[22] (Ellin,2006,2011). او معتقد است مجموعه این خصوصیات باهم، بیانگر تغییر رویکرد از تأکید بر موضوعات مجزا و عملکردهای مستقل به‌سوی توجه به زمینه‌های وسیع‌تر و مکان‌های چند کارکردی هستند. این خصوصیات خواستار تغییر نگرش از پیش‌فرض‌های مبتنی بر تضاد میان انسان و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

طبیعت و میان محیط انسان ساخت و چشم‌اندازهای طبیعی به سمت روابط متقابل همراه با سازگاری و همزیستی هستند. این خصوصیات همچنین به مرزها و محدوده این روابط اهمیت می‌دهند و نه‌تنها به محصول تمام‌شده، بلکه به فرایند نیز توجه دارند. ارزش‌هایی که توسط این خصوصیات بیان می‌شوند بسیار متفاوت از ارزش‌هایی همچون فردگرایی، کنترل و کارایی هستند که برنامه‌ریزی جامع (خطی) توصیه کرده است و در عمل منجر به خلق شهرهایی ازهم‌گسیخته، بدون روح یا بدون شخصیت شده‌اند. شهرسازی منسجم مداخله‌های معناداری را پیشنهاد می‌دهد تا مکان‌ها را از طریق افزایش جریان فعال سازد و این امر، از طریق تقویت ارتباطات و مراقبت از فضاهای فراموش شده تحقق می‌یابد. چنین مداخلاتی به‌عنوان پروژه‌ای پیشگام، تسهیل‌کننده مداخلات دیگر، طی یک فرایند مستمر و بدون توقف می‌شوند(Ellin,2006) .او هدف شهرسازی منسجم را دستیابی به "جریان" می‌داند. جریان، تجربه‌ای قوی است که میان خستگی و تحریک‌شدگی شدید واقع شده است. جریان، همواره با مؤلفه‌هایی مانند غوطه‌وری، آگاهی و حس هماهنگی، معنا پیدا می‌کند و به‌عنوان هدف شناخته می‌شود (Ellin,2006).

برمبنای مطالعه متون نظری مرتبط با انسجام کالبدی سه نظریه " نقش – زمینه"، "اتصال" و "مکان" و نظریه الین مبنای اولیه مصاحبه‌های انجام‌شده با ساکنان بافت قدیم و جدید این پژوهش قرارگرفته است.

میدان مطالعه

مکان این مطالعه، روستای قهی است که با قدمتی بیش از 850 سال در شرق اصفهان قرار دارد. این روستا در حاشیه کویر در 50 کیلومتری باتلاق گاوخونی- پایان زاینده‌رود- قرار گرفته است. معماری خشتی قهی با رگه‌های ساسانی، صفوی و قاجار مشهودترین نشانه‌ای است که می‌تواند سابقه تاریخی روستا را برای هر بیننده‌ای تداعی کند. بافت معماری روستا مجموعه‌ای است درهم‌تنیده و هماهنگ از منازل، مساجد، آب‌انبارها، آسیاب، بازار، گذر و بادگیر که در کنار یکدیگر به شکوفایی رسیده‌اند. وجود شتر خوان یکی دیگر از ویژگی‌های معماری ابنیه تاریخی روستا است. جدا از بافت، بیش از 35 بنای روستا نیز که دارای ارزش‌های معماری خاص می‌باشند به ثبت رسیده‌اند. (نژاد کبریا، 1385)

علت اصلی انتخاب روستای قهی در این پژوهش، وجود بافت و معماری ارزشمند تاریخی برگرفته از منظر بومی آن منطقه بوده است که در شکل‌دهی این روستا، نقش اساسی دارد. سیمای ساده معماری روستا با شاخص‌های معماری کویری نظیر طاق‌ها، ساباط‌ها، دیوارهای قطور و نسبتاً بلند، کوچه‌های پیچ‌درپیچ، احجام و فضاهای روح‌نواز شکل‌گرفته است. این معماری کم نظیر رابطه انسان با طبیعت را به زیبایی نمایان می‌سازد. منظر روستای قهی، با ظاهر متفاوت آن، الگویی ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه و پاسخگوی نیازهای اساسی روستاییان است (محمدنژاد، 1383).

روستای قهی دارای دو بافت معماری قدیم و جدید می‌باشد. بخش قدیمی روستا دارای بافت ارگانیک و غالب بناها متعلق به زمان قاجار است. بافت جدید نیز در دهه‌های اخیر در بخش شمالی و جنوبی توسط بنیاد مسکن احداث گردیده است. گسترش جدید روستا در قسمت غرب روستا بوده است. براساس عکس‌های هوایی و اسناد موجود اولین رشد این روستا در سال 1360 شمسی صورت گرفته است. امروزه علاوه بر آسیب‌های طبیعی و ساختاری که (با متروک ماندن بسیاری از بناها) در بافت قدیم افزایش می‌یابد،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

آسیب‌های انسانی و ساخت‌وسازهای جدید نیز که از زمان بمباران 1364 به‌یک‌باره سرعت گرفته، چهره روستا را تغییر داده است (نژاد کبریا، 18:1385).



ت 1. عکس هوایی روستای قهی سال 1347 (سازمان نقشه برداری کشور).



ت 2. عکس هوایی روستای قهی سال 1395(Google Earth **).**

متأسفانه درگذر زمان به‌دلیل فرسودگی کالبد بناها و عدم مرمت ابنیه ارزشمند، بافت قدیم روستای قهی تقریباً خالی از سکنه شده و غالب مردم به بخش گسترش یافته جدید مهاجرت کرده‌اند. طبق مطالعات اسنادی انجام شده عوامل مؤثر بر گسترش فیزیکی روستا این گونه شناسایی شده‌اند:

عوامل اجتماعی با افزایش جمعیت مهم‌ترین عامل رشداست. به‌طوری‌که سرریز جمعیت قبلی نیاز به فضای جدید برای استقرار دارند. عامل دیگر طرح‌هادی روستایی است که بخش اساسی رشد روستا براساس طرح‌هادی روستایی شکل می‌گیرد (Ahmadi,1995).

یکسان بودن شرح خدمات روستایی برای تمامی روستاهای کشور با شرایط اقلیمی و اجتماعی متفاوت سبب یکسان‌سازی در تمامی روستاها و شکل‌گیری بافت‌های ناهماهنگ با بستر روستایی است. حال‌آنکه شرح خدمات طرح هادی روستایی، بیش از آنکه دستورالعملی برای مشاور تلقی گردد، مبانی برای مدیریت نگرش، مطالعه، طراحی و عمل در تمامی ابعاد و وجوه مختلف مربوط به مداخله روستا دانسته می‌شود. گسترش ناهمگون بافت جدید روستا به شکل بافت شطرنجی در تضاد با بافت تاریخی و ارگانیک روستا قرارگرفته است.

یافته‌ها

در گام اول با توجه به سؤال اصلی پژوهش مبنی شناخت عوامل تأثیرگذار در ریخت و شکل کالبدی گسترش جدید روستای قهی، در مطالعه میدانی با روش مشاهده به بررسی جنبه‌های ساختار فضایی، اتصال و مکان در روستای قهی براساس نظریات نظم فضایی ترانسیک (1986) پرداخته شده است. در ادامه با هدف تبیین یک رویکرد منسجم در ارائه راهکارهای پیشنهادی در رشد جدید روستا، به مقایسه ساختار فضایی و بافت روستای قهی در بافت قدیم و گسترش جدید، براساس نظریه انسجام فضایی نان الین (2005) پرداخته شده است. در نهایت با اتکا به یافته‌های مرحله

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

شناخت و استناد به نتایج مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با ساکنان، سعی در ارائه مدلی برای تحقق انسجام کالبدی بافت قدیم و جدید روستا صورت گرفته است. شناخت میزان تطابق و همپیوندی بافت قدیم و جدید با استفاده از نظریه ترانسیک است.





ت 3. گونه‌های متفاوت مسکن در بافت قدیم و جدید روستای قهی(نگارندگان).

تحلیل محتوای نظریات فضایی ترانسیک

"تشخص مرز اتصال" و نظریه" نقش-زمینه" در بافت قدیم و جدید روستای قهی: رشد روستای قهی براساس طرح‌هادی پیشنهادی صورت گرفته است. طرح‌های توسعه پیشنهادی، ضمن سازماندهی و اصلاح بافت موجود، میزان و مکان گسترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف و نیازمندی‌های عمومی روستایی را در قالب مصوبات طرح هادی تعیین نموده است. در طرح توسعه پیشنهادی روستای قهی، بیشترین تکیه بر میزان و مکان گسترش فیزیکی روستا است. درنتیجه رشد از نوع بیرونی و گسسته بوده است.

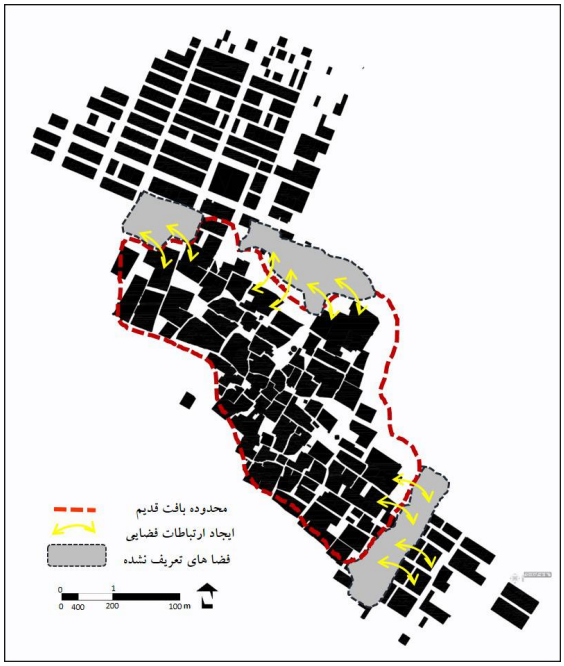

ت 4. نقش- زمینه (پر و خالی) روستای قهی(نگارندگان).

متأسفانه در طرح‌هادی پیشنهادی روستای قهی، پیش از آنکه فرصتی برای تجلی ارزشمندی بافت تاریخی روستا ایجاد کند، بافت قدیمی را مظهر دوام و فرسودگی بیان کرده است. لذا فضاهای گسترش یافته به شکل بافت شطرنجی معاصر شهرها ساخته شده‌اند و اکنون در روستا همچون ضد فضا تلقی می‌شوند. فضاهایی که با ناهمخوانی و گسستگی که با بستر طبیعی و انسان‌ساخت خود دارند، معماری سنتی بافت ارزشمند قدیم را به‌سوی فرسایش و گمشدگی فضا پیش می‌برند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

تحلیل نقش – زمینه نشان می‌دهد که بافت قدیمی روستا با هویت تاریخی آن به شکل ارگانیک ساخته‌شده است، درحالی‌که گسترش جدید روستا بدون توجه به زمینه تاریخی و هویت کالبدی روستا به شکل بافت شطرنجی شهرها و در تعارض با بافت روستایی شکل‌گرفته است. از سوی دیگر سطح اشغال در بافت قدیمی متناسب با وضعیت اقلیمی اصفهان و الگوی سنتی معماری منطقه، بیشتر از بافت جدید است که نشان‌دهنده بی‌توجهی به زمینه اقلیمی و معماری منطقه است.

همچنین ناهمگونی گسترش جدید روستا به شکلی است که عملاً مرزی میان بافت جدید و قدیم روستا به وجود آمده و ادغام دو بافت به‌دلیل "تشخص مرز اتصال" امکان‌پذیر نیست.

" ارتباط پذیری" در "نظریه اتصال" در بافت قدیم وجدید روستای قهی: تحلیل ارتباطات حاکی از عدم وجود همپیوندی و ساختار فضایی منسجم در شبکه ارتباطی بافت قدیم و جدید روستا است. بدین معنا که سازمان فضایی مشخصی در گسترش جدید روستای قهی دیده نمی‌شود. شبکه راه‌های روستا، ساختمان‌ها بدون هیچ‌گونه هویتی شکل‌گرفته‌اند. درحالی‌که در بافت قدیمی سازمان فضایی به‌صورت یک محور فعالیت انسانی با حضور مکان‌ها کاملاً شکل‌گرفته است. این امر باعث شده است که در گسترش جدید روستا، شبکه باز خطی رشد جدید روستای قهی محیط زندگی را به نموداری از سیستم‌های حرکتی تبدیل نماید که جذابیت حضور وسیله نقلیه، فرصت‌های زیبایی‌شناختی فضاهای حرکتی را از بین می‌برد. شکل‌گیری مسیرهای خطی هویت روستایی را به شکل شهرهای مدرن تغییر شکل داده است. در بافت جدید عملاً "ارتباط پذیری" میان بافت جدید روستا با زمینه محیطی، هویتی و تاریخی دیده نمی‌شود.



ت 5. نظریه اتصال در روستای قهی (نگارندگان).

"تداوم نقاط لنگرگاهی" در نظریه"نظریه مکان" در بافت قدیم و جدید روستای قهی: مردم نیازمند سامانه‌ای نسبتاً پایدار از مکان‌ها هستند تا بتوانند در آن، خود و زندگی اجتماعی و فرهنگی‌شان را رشد دهند (Trancik,1986). در بافت قدیم روستا ارتباط مکان‌های مهم روستا باعث به‌وجود آمدن هویتی منحصر به‌فرد برای روستا شده است. درحالی‌که رشد جدید روستا بدون در نظر گرفتن اهمیت مکان در شکل‌گیری بافت تنها به گسترش مسکونی در روستا پرداخته است. لذا عدم توجه به هویت محلی و تاریخی این روستای ارزشمند، سبب جلوگیری از شکل‌گیری مکان‌های موفق برای مردم شده است. بی‌توجهی به بستر طبیعی و کویری روستا و روحیات مردم کویر و نیاز آن‌ها به ترکیب و همجواری با نظام‌های آب و گیاه و خانه‌های حیاط مرکزی بخشی از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

دلایل عدم موفقیت ایجاد حس مکان در بافت جدید روستای قهی است. برای دستیابی به مکان موفق در رشد جدید طراح باید تاریخ طبیعی و انسانی منطقه مورد گسترش را به‌درستی بررسی نماید، احساسات و نیازهای عمومی را دریابد، سنت‌های پیشینیان را بشناسد و از واقعیت‌های آن جامعه آگاهی کامل یابد، اما طرح بافت جدید قهی چنین توجهی را نشان نمی‌دهد زیرا بافت جدید تک عملکردی (سکونت) بوده و تنوعی از فعالیت‌ها و سرزندگی را در خود ندارد. نکته قابل توجه دیگر در مورد شناسایی مکان‌های روستا توجه به مسیر نخل گردانی به‌عنوان یک مسیر آیینی در زمان مراسم مذهبی در روستا است که خود به‌دلیل اهمیت این مسیر، مردمی را که در قسمت گسترش جدید روستا ساکن می‌باشند، در زمان‌های رویدادهای خاص به بافت قدیم می‌کشاند که توجه به ادامه این حرکت آیینی در بافت جدید روستا، ارتباط "تداوم نقاط لنگرگاهی "را که از دید طراحان غافل مانده است، نشان می‌دهد.

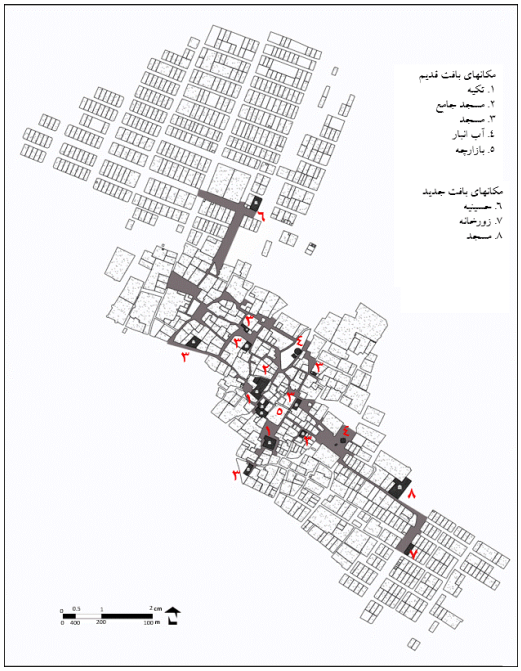

ت 6. مکان‌های بافت قدیم و جدید روستای قهی(نگارندگان).

تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه‌های صورت گرفته با 10 تن از اهالی روستای قهی در مورد گسترش جدید و قدیم روستا، با اجازه ساکنان ضبط و پیاده‌سازی شده‌اند. داده‌های متنی و مصاحبه‌ای، گردآوری شده به‌صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه و در نهایت تم‌ها[23] استخراج شده‌اند.

معاصر سازی

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد مردم روستا ادراک رشد جدید بافت روستایی را به‌دلیل معاصر سازی و ارتقای حس استحکام و ایمنی و امکان ایجاد مکانی راحت‌تر برای زندگی در آن، تجربه کرده‌اند.

"با آمدن به بافت جدید بود که احساس راحتی و امنیت پیدا کردم زیرا که بافت قدیم خالی از سکنه شده و امنیت ندارد. غالب مصاحبه‌شوندگان به‌دلیل احساس ایمنی و امنیت بعد از زندگی در بافت جدید، از داشتن مکانی جدید برای خود خشنودند"(مرد 50 ساله).

از سوی دیگر برای بسیاری از مردم روستا خانه‌های جدید نوساز به‌دلیل تکنولوژی ساخت احساس ایمنی بیشتری را برای ساکنان خود ایجاد می‌کنند.

"خونه‌ام که نوسازه حس ایمنی بیشتری دارم چون مصالح محکم‌تره."(زن 45 ساله).

تعلق پذیری

یکی از مقولات استخراج‌شده از داده‌ها حس تعلق ساکنان بافت جدید به بافت قدیم است. تمامی مصاحبه‌شوندگان به رابطه عاطفی موجود بین خودشان و مکان‌های بافت قدیم، اشاره کرده‌اند. از مهم‌ترین دلایل علاقه مردم به بافت قدیم داشتن خاطرات و ریشه‌های قدیمی خود در بافت قدیم است.

یکی از ساکنان روستا (مرد 65 ساله) نقل می‌کند: "برای برگزاری مراسم‌های مذهبی مانند ماه محرم تمامی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ساکنان بافت جدید به بافت قدیم می‌روند و مراسم در تکایا و حسینیه‌ها برگزار می‌شود و همه مردم روستا به همون قسمت قدیمی برمی‌گردند همه کنار هم جمع می‌شوند مثل‌اینکه قسمت جدید و قدیم وجود ندارد".

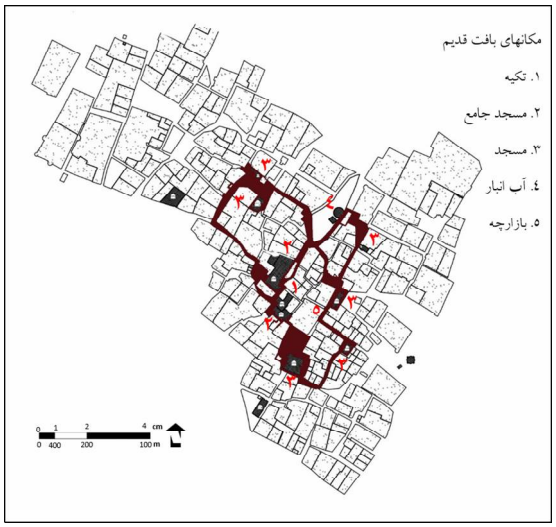

ت 7. مسیر نخل گردانی در روستای قهی(نگارندگان).

قهی گذشته جایگاه هویت مکانی

همه مصاحبه‌شوندگان به‌نوعی بافت قدیمی روستا را به‌عنوان ارزش و شهرت روستای قهی می‌شناسند و معتقدند بافت قدیم باوجود تخریب شدن و از بین رفتن هنوز عامل اصلی شناخته شدن روستای قهی و حضور گردشگران در آن است. بر این اساس همه افراد از تخریب روزافزون بافت قدیمی اظهار نارضایتی می‌کنند. به نقل از یکی از ساکنان بافت جدید:"از دلایل تمایل مردم روستا به زندگی در بافت جدید، عدم رسیدگی میراث فرهنگی به بافت و مرمت آثار قدیمی است که سبب شده بخش زیادی از بافت مخروبه شده و همه مردم با حسرت به گذشته روستا نگاه می‌کنند. آرزوی همه اینه که همه‌چیز رنگ و بوی اصلی قهی قدیم را حفظ می‌کرد".

بعضی از افراد نیز هنوز ریشه و خاستگاه هویتی خود را در بافت قدیم می‌جویند و اصالت خود را در آن جستجو می‌کنند."شاید کسی نگه اما مردم ریشه‌های قومی، محله‌ای و اصالت خود را در بافت قدیم جستجو می‌کنند. (مثلاً من بچه‌محله پایین هستم)"(مرد، 38 ساله).

کیفیت زندگی

بیش از 80 درصد مصاحبه‌شوندگان زندگی در بافت جدید را به‌دلیل بالاتر بودن کیفیت زندگی نسبت به بافت قدیم ترجیح می‌دهند. از مهم‌ترین عوامل ارتقای کیفیت زندگی از نظر مردم داشتن امکانات ابتدایی هم چون تأسیسات شهری است. یکی از ساکنان روستا در بافت جدید (مرد 50 ساله) نقل می‌کند: "امکانات مثل گاز، آب آشامیدنی و... در بافت جدید وجود دارد."

مهم‌ترین نکته از میان مفاهیم مرتبط با کیفیت زندگی، رسیدن به محلی با سهولت دسترسی بیشتر در فضای روستا است، بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

"حرکت سواره در بافت جدید راحت تر است."

غالب مصاحبه‌شوندگان یکی از نکات منفی زندگی در بافت قدیم را عدم وجود استقلال و قابلیت شخصی‌سازی نمای منازل می‌دانند. به نقل مردی 31 ساله:"میراث فرهنگی در بافت قدیم اجازه نمی‌ده خونه‌هامون را با مصالح جدید مثل سنگ، آجر و.. نماسازی کنیم."

نتیجه

براساس یافته‌های این پژوهش حاصل از مشاهده[24]، انجام تکنیک‌های تئوری فضایی شهری ترانسیک (1986) و انجام مصاحبه‌هایی از درک ساکنان انسجام کالبدی بافت قدیم و جدید روستا، عوامل همپیوندی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

بافت قدیم و جدید روستای قهی در قالب "تشخص مرز اتصال "، "ارتباط پذیری "، "تداوم نقاط لنگرگاهی "، "معاصر سازی"، "تعلق مکانی"، "تداوم هویت مکانی"، "کیفیت زندگی" مفهوم‌پردازی شده است. مشاهدات کیفی انجام شده گویای وجوه اشتراک و افتراق مواردی است که به عقیده برداشت کنندگان تعلیم داده با انجام تکنیک‌های مناسب مشاهده در مطالعه میدانی و مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌های پیاده شده ساکنان در تجربه انسجام کالبدی (همپیوندی) بافت قدیم و روستا یافته‌های برداشت میدانی، نشان می‌دهد "تشخیص مرز اتصال بافت قدیم و جدید " مهم‌ترین عامل انفکاک در بافت روستای قهی است. وجود مرز مشخص انفکاک بافت قدیم روستایی به‌دلیل استقرار فضاهای پر و خالی بانظمی ارگانیک در ارتباط با بافتی با الگوی شطرنجی است. مرز اتصال این دو بافت کاملاً خالی و تعریف‌نشده است و طراحی خاصی برای آن صورت نگرفته است. مطالعات قبل نیز از عوامل اصلی انسجام‌های کالبدی پیوند و اتصال توده و فضا از طریق ساخت‌وسازهای همگون با بلوک‌های بافت قدیم، ایجاد شبکه‌ای از فضاهای عمومی متصل به یکدیگر، را برای پیوند اتصال و ارتباط مراکز و کریدورها و تشکیل استخوان‌بندی بافت لازم می‌دانند (Ellin, 2006). از سوی دیگر ساخت ساز مرز انفکاک یافته به‌نوعی با احیای زمین‌های خالی و بایر می‌تواند هم از لحاظ بصری و هم از طریق اتصال عملکردها و فعالیت‌ها به انسجام بافت کمک کند و هم جایگاهی برای تعاملات اجتماعی و انسجام اجتماعی ساکنان بافت جدید و قدیم در سطح متعالی‌تر و خلق فضایی سرزنده باشد. وجود مرز مشخص بین بافت قدیم و جدید به نوعی امکان بروز فضایی متفاوت را ایجاد می‌کند که می‌تواند مکان تلفیق عملکردها، فعالیت‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف باشد. این کیفیت را نان الین در قالب کیفیت " التقاط" نام برده است. الین به نقل از رم کولهاس در تجربه نیویورک التقاط را در اندازه بلوک‌های مختلف و عملکردها و کاربرهای متفاوت باعث ماندگاری فضای شهری می‌داند (Ellin,2006).

از یافته‌های دیگر حاصل مشاهدات کیفی بافت قدیم جدید و روستای قهی توجه به مفهوم "ارتباط پذیری" در همپیوندی و انسجام میان دو بافت است. تداوم مسیرهای اصلی که در کنار آن فعالیت‌ها و مکان‌های اصلی روستا قرار دارد. معبر و تداوم مسیر نخل گردانی آیینی مصداقی از ارتباط پذیری بافت قدیم و جدید به‌صورت کالبدی و بصری است که می‌توانند راحتی رفت‌وآمد را(هم به‌صورت کالبدی و هم به‌صورت بصری) بین دو بافت گسسته روستا ایجاد کنند. هرچند کیفیت ارتباط پذیری مسیرها به‌دلیل تفاوت در فرم راه (ارگانیک و شطرنجی) و عدم توجه به کیفیت محوطه آرایی[25] راه امکان تبدیل مسیرهای ارتباط دهنده بافت قدیم و جدید به عرصه همگانی باکیفیت به‌وجود نیامده است اما بسیاری از ساکنان اتصال راحت دو قسمت قدیم و جدید روستا را دلیل همپیوندی مناسب روستا دانسته‌اند. نان الین جهت کیفیت اتصال دو بافت به دو عامل سیرکولاسیون و خلق شبکه جدید اشاره می‌کند به‌طوری‌که سیرکولاسیون راحت در بافت اصلی شهری را عامل اصلی محرک و طراحی شهری می‌داند که می‌تواند با اتصال بین مراکز اصلی و فرعی نقش بسزایی داشته باشند. این شبکه به اعتقاد الین می‌تواند عوامل طبیعی و مصنوع را در برگیرد (Ellin,2006). همچنین شبکه اتصالی عوامل طبیعی در بافت روستایی که ارتباط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ویـژه‌ای بـا زمینـه[26] طبیعـی دارد. عوامـل مـؤثر بـر مسـیرهای دسترسـی مصـنوع و ارتباطـات کالبـدی در کیفیت انسجام‌بخشی گسترش روستایی اهمیـت زیـادی خواهد داشت.

از مفـاهیم دیگـر مشـاهدات میـدانی و بررسـی‌هـای مطالعات وضع موجود روستای قهی به همپیوندی بافت جدید و قدیم روستا از طریق اتصال مکان‌های مهـم دو بافت، بر مفهوم " تداوم نقاط لنگرگـاهی " در دو بافـت اشاره دارد. نقاط لنگرگاهی در بافت، اشاره به مکان‌های اصلی در بافت روستا دارند که معنای خاصی از زنـدگی به آن‌ها الصاق شده است که این مکان‌ها به‌نوعی امکـان تبلور زندگی اجتماعی را در روسـتا فـراهم مـی‌آورنـد. وجود شبکه‌ای از مکان‌ها به‌عنوان فضاهای همگـانی در بافت قدیم و تداوم آن فضاها و مکان‌ها در بافت جدیـد به‌نوعی امکان اتصال و همپیوندی میـان دو بافـت را بـه وجود آورده است. مکان‌هـا و فضـاهای عمـومی بافـت قدیم شـامل تکیـه، مسـجد جـامع، مسـجد، بازارچـه و آب‌انبار بوده‌اند که به‌نوعی تعاملات اجتمـاعی را میـان ساکنان بافت ایجاد می‌کننـد. وجـود روحیـه مـذهبی در میان ساکنان روستا عامـل تأکیـد بـر وجـود مکـان‌هـای عمومی مذهبی در بافت روستا هسـت. بـه‌همـین دلیـل خلق مکان‌ها در فضاهای همگانی جدیـد نیـز در بافـت جدید هـم خصـلت مـذهبی دارد کـه امکـان تعـاملات اجتماعی بافت جدیـد روسـتا را در آیـین‌هـای مـذهبی و مراسم ایجاد مـی‌کنـد. ایـن فضـاها در بافـت جدیـد شـامل حسـینیه و مسـجد جدیـد اسـت کـه در هنگـام مراسم مذهبی به‌خصوص در ایـام محـرم و صـفر بـاهم رابطه داشته و خیل جمعیت بین ایـن دو قطـب مـذهبی جدید و قدیم حرکت می‌کنند و بازدید از آن‌ها به مسـیر نخل گردانی روستا اضـافه شـده اسـت. متأسـفانه عـدم گسترش مکان‌ها و فضـاهای همگـانی در بافـت جدیـد به‌جز دو لبه هم‌جوار با بافت قدیم امکان اتصال منسجم و قـوی در بافـت را از بـین بـرده اسـت. اتصـال و پیونـد سـازمان فضـایی از عوامـل مهمـی اسـت کـه از طریـق شـبکه فضـاهای عمـومی و مکـان‌هـای مهـم می‌تواند به شکل‌گیری استخوان‌بندی اصلی بافت روستا در قسمت جدید و نیز قسمت قدیم کمک کنـد. توجـه به حرکت در میان مکان‌هـای اصـلی موجـود در بافـت همراه با وجود مکان‌های حائز اهمیت از عوامـل مهمـی بوده است که راجر ترانسیک بـه‌عنـوان اصـول بنیـادین تلفیق عناصر شـهری و انسـجام بـین آن‌هـا تبیـین کـرد (Trancik, 1986).

"معاصـرسـازی" یکـی از مفـاهیم بـه‌دسـت‌آمـده از مصاحبه‌های پیاده شده و تحلیل محتوا شـده از سـاکنان در این پژوهش است. تفـاوت زیـاد کالبـدی و فضـایی میان دو بافت روستا به‌نظر اکثر مصاحبه‌شدگان باعث از بین رفتن اتصال و انسجام میـان بافـت قـدیم و جدیـد روستا شده است. تغییر در شکل سازمان‌دهـی بافـت از ارگانیک به شطرنجی، تغییر در محصوریت بافت، نحـوه توده‌گذاری، شـکل‌گیـری خانـه‌هـای مسـکونی و تـوده گذاری و رابطه توده و فضا در بافت قدیم و جدید همه از عـواملی اسـت کـه از دو تـاریخ متفـاوت در بافـت روستا روایت دارند، هرچند قسمت بافـت قـدیم تـاریخ بسیار طولانی دارد و قسمت جدید عمـری بـیش از 30 سال ندارد اما تفاوت چهره در دو قسمت بسیار متفاوت است تا آنجا که به‌زعم بعضی از ساکنان حتی مـی‌تـوان نام قهی قدیم و قهی جدید بـه روسـتا داد. نکتـه حـائز اهمیت از دید سـاکنان توجـه بـه ایـن نکتـه اسـت کـه باوجود تفاوت ماهوی شدید میان قسمت جدید و قدیم روستای قهی اما در نحوه انسجام و همپیوندی بافت‌های قدیم و جدید تفاوت میان‌دوره‌های مختلـف سـاخت از نظر تکنولوژی و ساخت ضروری اسـت، بـه‌نـوعی کـه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

حتی نمی‌توان انتظار داشت که گسترش جدید با الگوبرداری و تقلید صرف از بافت قدیم صورت گیرد. گسترش روستا مبتنی بر حال و هوای معاصر رشد جدید روستا برای ساکنانی مطلوب بوده است که زندگی جدید را انتخاب می‌کنند. این تفاوت در سبک جدید و قدیم باعث می‌شود تا ساکنان بنا بر روحیه و سلیقه خود بتوانند قسمت‌ها مختلف روستا اعم از جدید و قدیم را برای زندگی انتخاب کنند که به‌نوعی فضاهای انعطاف‌پذیری را برای زندگی ساکنان به ارمغان می‌آورد.

باوجود تفاوت بنیادین در شکل و محتوای کالبدی گسترش جدید و قدیم روستای قهی، اما اظهارنظر ساکنان رشد جدید بر این پایه است که باید باحال و هوای ساخت‌وساز معاصر به‌نوعی همگونی داشته باشد تا بافت قدیم روستا در عین بروز ساخت‌وسازهای جدید، به‌نوعی تفاوت در قدمت‌های مختلف ساخت‌وسازهای انجام شده و روند تغییرات ریخت شناسانه بافت را نشان دهد. نمایش تغییرات ریخت شناسانه و دوره‌های مختلف ساخت‌وساز در بافت‌های شهری و روستایی می‌تواند به‌نوعی اصالت گرایی[27] اشاره داشته باشد. بحث اصالت را نان الین ازعوامل شهرسازی یکپارچگی می‌داند که در آن داشتن "حس مکان" می‌تواند در قالب قدمت محل، مصالح و رنگ‌های مشخص تزیینات و فرم‌های متفاوت به‌ویژه معماری بومی و توجه به شرایط کالبدی و اجتماعی مهم باشد (Ellin,2006,2011).

در گسترش جدید روستا مردم به بافت جدید "تعلق مکانی" دارند. لذا ساکنان زمانی می‌توانند همپیوندی و اتصال بافت‌های سکونت‌گاه‌های انسانی را در ساخت‌وسازهای جدید ادراک کنند که به آن‌ها احساس تعلق داشته باشند. داشتن "هویت مکانی" یکی از مفاهیم دیگر به‌دست‌آمده در این پژوهش است. زمانی کیفیت اتصال و همپیوندی میان دو بافت ایجاد می‌شود که ساکنان گسترش جدید را با هویت روستا و سکونتگاه سابق خود شناسایی کنند. عدم تشابه کالبدی و ساختار فضایی همراه با عدم تداوم اتصال فضایی- ادراکی در دو بافت جدید و قدیم روستا و همچنین عدم شباهت و هماهنگی مکان‌ها و فضاهای همگانی موجود باعث می‌شود که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در نوع همپیوندی بافت و بخشی از روستای قهی دانستن آن شک و تردید داشته باشند.

این مسئله در مورد ساکنان قدیم روستا رواج بیشتری دارد درحالی‌که ساکنان بافت جدید نیز هویت روستای قهی تاریخی را عامل معرفی خود می دانند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان دلیل انقطاع کالبدی را تضعیف حرکت و نبود استخوان‌بندی فضایی منسجم میان دو بافت ساخته‌شده معرفی می‌کنند. هیلر، یکی از عوامل عدم همپیوندی بافت‌های شهری را تضعیف حرکت روان در بافت می‌داند که سبب از بین رفتن اتصال و انسجام بین فضاها و عناصر می‌شود. این انقطاع خود عامل تضعیف هویت مکانی نیز به‌شمار می‌آید (Hiller, 1996) .

از میان یافته‌های این پژوهش "کیفیت زندگی " و رفاه ساکنان از عوامل ادراکی مصاحبه‌شوندگان بافت جدید است که امکان انسجام و همپیوندی میان بافت قدیم و جدید روستا را در ذهن افراد تداعی می‌کند. مصاحبه‌شوندگان به‌دلیل داشتن کیفیت مسکن بالاتر، داشتن خانه‌های مقاوم و ایمن‌تر در برابر سوانح بیان داشته‌اند که بافت جدید روستا را باوجود اهمیت قدمت تاریخی و کالبدی بافت قدیم مناسب زندگی می‌دانند و حتی بافت جدید به‌دلیل امکان عبور و مرور وسایل نقلیه و بالا رفتن امکانات خانه‌ها، موجب تداوم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

و گسترش روستای قهی می‌باشد، هرچند که همگی بیان می‌نمایند که میان شخصیت[28] بافت قدیم و جدید روستا تناسبی وجود ندارد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که اگر خانه‌های قدیمی روستا امکان زندگی روزمره را داشته باشند و کیفیت زندگی در آن بالا رود، ساکنان تمایل بیشتری به ماندن در بافت قدیم دارند. مطالعات نشان می‌دهد که لازمه بالا رفتن کیفیت زندگی به‌دلیل انعطاف‌پذیری کم بافت‌های قدیمی است. انعطاف‌پذیری فضاها در کنار سازگاری میان ساخت و ساز جدید با زمینه سنتی و قدیمی در راستای ساختاردهی اجرای بافت‌های شهری درحال رشد از موارد دیگری است که نان الین تحت عنوان "انعطاف‌پذیری" از آن یاد می‌کند (Ellin ،2006).

یافته‌های این پژوهش تدوین مدلی است ازادراک ساکنان برای انسجام و همپیوندی سکونتگاه‌های انسانی با ساخت و سازهای جدید که شش مفهوم "تشخص مرز اتصال"، "ارتباط پذیری"، "تداوم نقاط لنگرگاهی"، "معاصرسازی"، "تعلق مکانی"، "هویت مکانی" و "کیفیت زندگی"را برای درک و تجربه همپیوندی بافت‌های قدیم و جدید ضروری می‌داند. مدل پژوهش باکیفیت‌های مطرح‌شده در شهرسازی کل گرای نان الین شامل "انعطاف‌پذیری"، "اصالت"، "نفوذپذیری"، "تخلخل"، "اتصال"و "التقاط"، قابل مقایسه است (Ellin ،2006).

در مقایسه مدل حاصل از این پژوهش و مدل الین، شباهت با تأکید بر وجود عواملی چون التقاط، اتصال، انعطاف‌پذیری، اصالت و تخلخل وجود دارد، ضمن توجه به این مطلب که عوامل تعلق مکانی و هویت مکانی نیز خود در درک انسجام و اتصال بافت‌های شهری بسیار مهم‌اند.

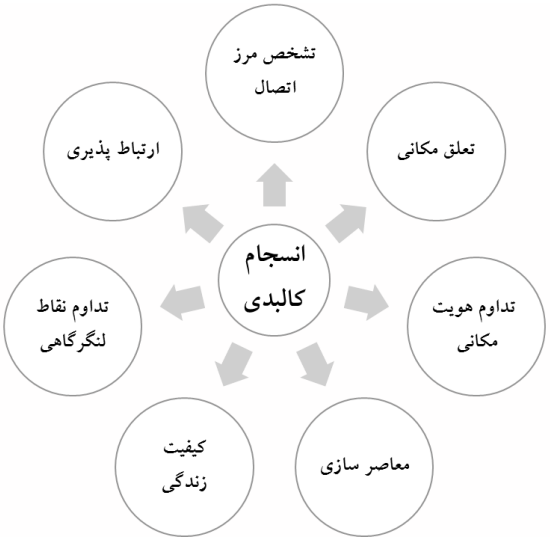

ت 8. مدل پیشنهادی تجربه انسجام کالبدی ساکنان (نگارندگان).

تعلق مکانی با داشتن خاطرات و فعالیت‌های اجتماعی مانند مراسم و آیین‌های مذهبی، در بافت جدید و قدیم سکونتگاه و ایجاد مکان‌ها و قرارگاه‌های رفتاری (لک،1394) مانند تداوم مسیر نخل گردانی در ساختار فضایی بافت جدید روستا امکان‌پذیرمی‌شود. هویت مکانی نیز از عوامل دیگر است که به داشتن تعلق به مکان برای همپیوندی بافت‌های جدید و قدیم کمک می‌کند. هویت مکانی از یک‌سو با بعد کالبدی و تشابهات کالبدی و فضایی بافت قدیم و گسترش جدید روستا همراه با تأمین امکانات زندگی کمک می‌کند و هم با ارتباط مکان‌های دارای اهمیت و فضاهای همگانی و کارکرد پررنگ آن‌ها با مکان‌ها و فضاهای همگانی در بافت قدیم زمینه ارتقای تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کند. داشتن مراسم مشترک آیینی و سنتی (مذهبی) در ایام مختلف سال می‌تواند امکان برداشتن مرزهای "آنچه نیستیم"را فراهم کند و آن‌را به تعریف "آنچه هستیم" تبدیل کند (لک 1394).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

از دلالت‌های این پژوهش، توجه به‌ضرورت انسجام کالبدی در گسترش جدید سکونتگاه‌های انسانی است تا در ساخت و سازهای کالبدی و محتوایی در اختیار برنامه ریزان و طراحان سکونتگاه انسانی قرار گیرد و در گسترش جدید چه در بافت‌های روستایی و چه شهری که از تبعات اجتناب‌ناپذیر رشد جمعیت است امکان تلفیق بافت به بهترین وجه صورت گرفته و ازنظر ساکنان و استفاده‌کنندگان محیط انسان- ساخت به‌صورت انقطاع فضایی ادراک نشود. علاوه بر رشد کالبدی و توجه به ابعاد ماهوی، تأکید بر ابعاد رویه‌ای نیز مانند افزایش هویت مکانی و تعلق مکانی از طریق تعاملات اجتماعی در تجربه همپیوندی بافت‌های قدیم و جدید نیز باید در طرح‌های توسعه لحاظ شود. در پایان باید اذعان داشت، همپیوندی و اتصال، محصول فرایندی است که ویژگی مهم آن رشد و تغییر تدریجی و آرام کلیه اجزا، در رشد سکونتگاه‌های انسانی است. این امر براساس پیشنهادهای این مقاله از طریق جمله اتصال شبکه دسترسی و معابر، کاربری‌ها و عملکردها، توده و فضا، بدنه فضای شهری و دیگر اجزا به‌صورت هماهنگ و در قالب یک کل واحد شکل می‌گیرد که باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های گسترش شهری و روستایی برای دستیابی به اصل همپیوندی و اتصال لحاظ شوند.

پیشنهاد این مقاله برای پژوهش‌های آتی با توجه به اینکه رویکرد این مقاله کیفی و به‌دنبال تعمیم‌پذیری مدل حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده و برداشت‌های روش‌های حرفه‌ای طراحی شهری بوده است اتخاذ روش‌های کمی برای سنجش این مدل و چگونگی ارزیابی طرح‌های گسترش سکونتگاه‌های انسانی بر اساس مدل این مقاله (به‌طور مثال با استفاده از روش AHP) است تا در نهایت به بسط نظری امکان همپیوندی بافت‌های شهری و روستایی کمک شود.

پی‌نوشت

1. Physical Structure
2. Identity
3. Continuous development
4.Content analysis
5. Observation
6. Desk study
7. Snowball selecting

8. در این مقاله روستا به‌منزله سکونتگاه انسانی شناخته می‌شود.

9. Bacon
10. Trancik
11. Modern
12. Land use
13. Figure-Ground Theory
14. Linkage Theory
15. Place Theory
16. Ellin
17. Integrated Urbanism
18. Hybridity
19. Connectivity
20. Porosity
21. Authenticity
22. Vulnerability
23. Themes
24. observation
25. Land scape
26. Context
27. Authenticity
28. Character

فهرست منابع

- سکاران، اوما. (1380)، روش‌های تحقیق در مدیریت. مترجم محمد صائبی و محمد شیرازی. مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- کرلینجر، فرد و پدهازر الازار. (1388)، رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری. مترجم حسن سرایی. انتشارات سمت. تهران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

- کلته، ابراهیم. (1370)، نقش عوامل جغرافیایی در تیپ‌بندی روستاها. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه بهشتی، دانشکده علوم زمین.

- لوکوربوزیه.(1933)، منشور آتن. مترجم محمد منصور فلامکی. نشر فضا. تهران.

-A.Ham-Rowbottom, K., Gifford, R., T. Shaw, K., (1999). Defensible space theory and the police: Assessing the vulnerability of residences to burglary. Journal of Environmevtal Psychology 19, 117-129.

-Eben Saleh, M.A., (1999). Reviving traditional design in modern Saudi Arabia for social cohesion and crime prevention purposes. Landscape and Urban Planning 44, 43-62.

-Hedayati Marzbali, M., Abdullah, A., Abd. Razak, N., Maghsoodi Tilaki,M.J., (2012). Validating crime prevention through environmental design construct through checklist using structural equation modeling. International Journal of Law,Crime and Justice 40, 82-99.

-Jacobs, J., (1961). The Death and Life of Great American Cities. Random House, New York.

-Jeffery, C.R., (1971). Crime Prevention through Environmental Design.Sage, Beverly Hills, CA.

-Md Sakip, S.R.,Abdullah, A.,(2012).
Measuring crime prevention through environmental design in a gated residential area: A pilot survey. Procedia-Social and Behavioral Sciences 42 ,340-349.

-Newman, O., (1972). Defensible Space; Crime Prevention through Urban Design. Macmillan, New York.

-Newman, O., (1996). Creating Defensible Space, Office of Policy.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]